

اشاره:

کشور ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و حساس خود در منطقه، از دیرباز کانون توجه بوده است و بالتبع همسایگان این کشور نیز نقشی پرخطر در منطقه داشته‌اند. کشور عراق که روزگاری با قلدری صدام، هشت سال جنگ نابرابر را بر ایران تحمیل کرد، گرفتار جنگ دیگری شد که از آن به جنگ خلیج فارس، یاد می‌شود. در این میان موضع ایران در قبال این جنگ تا حدی می‌توانست معادلات منطقه را دچار چالش کند که با تدابیر و هدایت‌های مقام معظم رهبری هیچ‌گونه تنش متوجه کشور و ملت ایران نشد. نوشته پیش رو، نگاهی گذرا به موضع‌گیری‌ها و بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب درباره این دوران دارد.

راهبرد رهبری در برابر تاکتیک‌های آمریکا در برابر جمهوری اسلامی

ایران؛ دژی تسخیرناپذیر برای آمریکا

امیرحسین کاظمی





ایران در آن شرایط در مجموع، سه مدل رفتاری را در برابر خود می‌توانست تصور نماید:

مدل اول: تعقیب استراتژی انزوایی با اتخاذ سیاست‌های تحریک‌کننده؛

مدل دوم: الحاق به ائتلاف بزرگ (آمریکا و متحدین آن)؛

مدل سوم: بی‌طرفی مثبت و فعال.

مدل نخست در آن شرایط اصلاً به نفع ایران نبود؛ چراکه ایران از جنگی هشت‌ساله به تازگی رهایی یافته بود و نمی‌خواست بهانه‌ای به دست دشمنان بدهد تا آنان بتوانند با سوء استفاده از مدل رفتاری ایران، هجومی مجدد را علیه ایران سامان دهند و راه را برای دخالت‌های خود مهیا ببینند.

استفاده از مدل دوم نیز به دلیل رفتاری که عراق در قبال ایران اتخاذ کرده بود، قابل پیروی نبود. رادیو بغداد در ۱۹ مرداد ۱۳۶۹ برنامه‌های عادی خود را قطع و نامه رئیس جمهوری عراق مبنی بر پذیرفتن عهدنامه ۱۹۷۵ توسط دولت عراق را قرائت کرد. به دنبال آن، عقب‌نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران از ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ آغاز شد و بعد از پنج روز به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کردند.

به دنبال پذیرش عهدنامه مرزی و حُسن همجواری ۱۹۷۵ و عقب‌نشینی نیروهای عراقی به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی، ایران با پیشنهاد عراق مبنی بر اعزام هیأتی به تهران که در نامه‌های قبلی رئیس‌جمهور این کشور مطرح شده بود، موافقت کرد. متعاقباً، هیأت‌های متعددی از پایتخت‌های دو کشور دیدار کردند.

طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در شهریور ۱۳۶۹ به ایران آمد. در دیدار وی با مقامات ایران، این مسائل مورد بحث قرار گرفت: ۱. نصب میله‌های مرزی ۲. مبادله باقیمانده اسرا ۳. بحران خلیج فارس ۴. ایجاد تسهیلات لازم برای مردم دو کشور جهت زیارت عتبات عالیات ۵. از سرگیری روابط دو جانبه و بازگشایی سفارتخانه‌های دو کشور.

وی قبل از ترک تهران، نتایج مذاکرات را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «این مذاکرات جدی، عملی و دوستانه بود.»

این نوع رفتار عراقی‌ها سبب شد تا ایران از اتخاذ موضعی خصمانه علیه عراق بپرهیزد و ضرورت اتخاذ راهبرد سوم مورد توجه جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. عملکرد ایران در قالب مدل سوم با توجه به سخنان مقام معظم رهبری در آن مقطع، در چند محور شکل گرفت:

۱. مخالفت با تهاجم آمریکا و متحدانش

مقام معظم رهبری در بیانات و موضع‌گیری‌های خویش در قبال آمریکا هنگام هجوم آنان به عراق، علاوه بر محکوم کردن این تجاوز، چند نکته را متذکر می‌شدند:

الف) تحلیل هدف آمریکا: مقام معظم رهبری به این نکته متذکر شدند که آمریکا به خاطر تأمین منافع خود وارد منطقه شده است و در همین رابطه می‌فرمایند:

«مدت‌هاست که آمریکا در فکر آن بوده که در خلیج فارس، جای پای مستحکم‌تر و حضور نظامی قوی‌تری داشته باشد. البته در خلیج فارس و در بعضی از کشورهای کوچک و حقیر پایگاه دارد، ولی کمش است! این چیزی هم که حالا پیدا کند، باز کمش است! هر چه پیدا کنند، کمشان است! آن کسی هم که کویت را تصرف کرد، به فکر این است که ساحل و منبع نفتی و قدرت ظاهری و قلدری و زورگویی خودش را توسعه بدهد و بعد از گذشت ده، دوازده سال از گوربه‌گور

آنچه روزهای گرم تابستان ۱۳۶۹ را ملتهب‌تر کرد، خبر حمله نیروهای تحت امر صدام به خاک کویت بود. صدام این هجوم را بر پایه توجیهاتی ترتیب داد که به جنگ میان عراق و ایران مرتبط می‌شد. او بر این باور بود که جنگ او با ایران باعث شده‌است که کویت از حمله قریب‌الوقوع ایرانیان در امان باشد. او همچنین معتقد بود چون جنگ او با ایران به سود کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است، این کشورها باید بخشی از بدهی عراق را ببخشند. صدام با اصرار از کویت خواست که بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق را که برای جنگ با ایران گرفته شده بود ببخشد، ولی کویتی‌ها زیر بار نرفتند. صدام که در پی جمع‌آوری پول برای ساخت مجدد عراق بود، به کشورهای صادرکننده نفت فشار آورد تا کمی از تولید خود بکاهند تا قیمت نفت بالاتر رود. کویت از کاهش تولید نفت سر باز زد. این کشور همچنین پیشگام کشورهای مخالف کاهش تولید نفت در اوپک شد. کویت مقادیر زیادی نفت استخراج می‌کرد تا بهای نفت را پایین نگه دارد، در حالی که عراق برای بازپرداخت بدهی‌های خود نیاز به فروش نفت به قیمت بالا داشت.

در همین زمان بود که صدام مخالفت خود با خطوط مرزی عراق-کویت را نشان داد. او به مانند ملی‌گرایان عراقی، بر این نکته پافشاری می‌کرد که کویت از دیرباز بخش لاینفک عراق بوده و تنها زمانی موجودیت مستقلی پیدا کرد که انگلیس اراده کرد.

ذخایر نفتی کویت نیز خود باعث افزایش تنش در منطقه بود. این ذخایر تقریباً با ذخایر نفت عراق برابر بودند (در حالی که جمعیت کویت تنها دو میلیون و جمعیت عراق ۲۵ میلیون نفر بود). عراق و کویت روی هم ۲۰ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت جهان را دارا بودند؛ تنها برای مقایسه ذکر می‌شود که عربستان سعودی دارای ۲۵ درصد ذخایر جهانی نفت است. کمی بعد پادشاهی کویت با حفر چاه‌هایی که عراق فکر می‌کرد داخل منطقه مرزی مورد مشاجره دو کشور است، باعث خشم صدام شد. صدام در زمانی که عراق هنوز جزو کشورهای منغور به حساب نمی‌آمد، به آمریکا شکایت کرد؛ اما به جای دریافت کمک از سوی آمریکا، اخباری مبنی بر تهدیدات آنان درباره پاسخگویی نظامی به عراق دریافت کرد. کمی بعد مذاکرات سران عراق و کویت به شکست انجامید. سپس صدام فرمان پیش‌روی نیروهای خود به داخل خاک کویت را داد.

هر چند که اطلاعات دست اولی پیرامون انگیزه صدام از حمله به کویت در دست نیست، ولی با در نظر گرفتن دیدگاه صدام پیش از جنگ و علامت‌های واشنگتن، می‌توان حدس زد که دلیل اصلی حمله به کویت، مشکل بدهی‌های بعد از جنگ عراق و تلاش‌های بیهوده صدام برای بازسازی زیربنایی، احیای اقتصاد نابود شده و تثبیت موقعیت سیاسی عراق بود.

صدام یازدهم مرداد ۱۳۶۹ به کویت حمله کرده و خاک آن را به عراق ضمیمه کرد. اشغال کویت به معنای آن بود که صدام با احتساب ذخایر نفتی عراق، دارای ۲۰ درصد ذخایر نفت جهان شده بود.

هجوم عراق به کویت خیلی زود با واکنش کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی روبه‌رو گردید و هر کدام واکنشی نشان دادند.

هر چند که اطلاعات دست اولی پیرامون انگیزه صدام از حمله به کویت در دست نیست، ولی می‌توان حدس زد که دلیل اصلی حمله به کویت، مشکل بدهی‌های بعد از جنگ عراق و تلاش‌های بیهوده صدام برای بازسازی زیربنایی، احیای اقتصاد نابود شده و تثبیت موقعیت سیاسی عراق بود.

شدن محمد رضا پهلوی، جای او را بگیرد. او هم همین طور بود. تفسیر و تحلیل قضیه، واضح است و پیچیدگی ندارد.^۱ ب) **پرده برداشتن از چهره واقعی آمریکا:** آمریکا در جریان هجوم خود به عراق، همواره شعار آزادی و حمایت از مردم عراق را سر می داد و می کوشید چهره‌ای معصوم از خویش در جهان ترسیم نماید و خود را به جهان به عنوان کشوری معرفی نماید که به دنبال تأمین امنیت و رفاه برای مردم دیگر کشورها است. مقام معظم رهبری در افشای این ژست دروغین فرمودند:

«حضور آمریکا - یک نیروی قلدر و پولدار - در یک کشور، که به اصطلاح برای دفاع هم آمده، مگر برای آن کشور و آن مردم ارزان تمام می شود؟ در رژیم گذشته، آن چند سالی که مستشاران نظامی آمریکا در کشور ما بودند، با این که مزدور و کارمند و حقوق بگیر دولت ایران بودند، در عین حال در موارد زیادی، بر تمام ارکان نظامی و حتی غیرنظامی دولت حاکمیت داشتند و آقایی و فساد می کردند و جان و مال و ناموس مردم آن جاهایی که اینها حضور داشتند، در اختیارشان بود. یک درجه دار پست یا یک افسر جزء آمریکایی، در نقطه‌ای که مأموریت داشت، ریاست هم داشت و هر کاری دلش می خواست، می کرد و هیچ چیز مانعش نبود. وقتی که همین نیرو، به عنوان دفاع از یک دولت یا یک کشور، وارد آن سرزمین بشود، مگر مردم و نوامیس آن کشور دیگر حرمتی دارند؟ این نیروها، با مسلمانان ساکن حجاز و عربستان، چه خواهند کرد؟ ... آمریکایی‌ها و هم‌دستانشان در این ماه‌ها، به خصوص در هفته‌های اخیر، با امت اسلام کاری کردند که چنگیز و هلاکو هم نکرده بودند! یعنی این آقای بوش، با ظاهری متمدن و با وضع و چهره‌ای اتوکشیده، اگر چهره‌اش در باطن، از چنگیز و هلاکو و تیمور و دیگر متجاوزان معروف دنیا، زشت‌تر و تیره‌تر نباشد، روشن‌تر و زیباتر نیست. همان کاری را که آنها می کردند، ایشان در ابعاد وسیع‌تری انجام داد. حرث و نسل را کشت، ملتی را مورد تحقیر و اهانت قرار داد، کشوری را تبدیل به ویرانه کرد.»^۲

ج) مخالفت با حضور آمریکا: مقام معظم رهبری ضمن اینکه فرمودند: «ما تجاوز را از هر کسی که باشد، رد می کنیم»، آمریکا را نیز متجاوز دانستند و توجیه غرب را برای حضور در منطقه رد کرده، فرمودند:

«می‌گویند چون ما به نفت این منطقه احتیاج داریم، بایستی به این جا بیاییم، نیروی نظامی بیاوریم و سیستم دفاعی و امنیتی درست کنیم! اگر شما در این جا سیستم دفاعی و امنیتی درست کردید، برخلاف امنیت ملت‌های این منطقه خواهد بود. شما می‌خواهید در خانه دیگران، ولو به قیمت ناراحتی صاحبان خانه، برای خودتان جای پا درست کنید! این، با کدام منطق قابل قبول است؟ آن‌چنان هم قرص و با وقاحت این حرف‌ها را می‌زنند که انسان از وقاحت آنها حیرت می‌کند!»^۳

۲. مخالفت با رفتار حاکمان عراق

مقام معظم رهبری در مورد عراق، حساب مردم آن سرزمین را از حاکمانش جدا کردند و ضمن تقیح رفتار آنان در باب تجاوز به کویت، به بررسی علل این تهاجم و علل ناکامی عراق در کویت پرداختند.

به نظر مقام معظم رهبری، دو دسته عوامل باعث شد عراق به کویت حمله نماید؛ یک دسته عوامل به شخصیت خود صدام حسین مربوط می‌شد. ایشان در مورد این بخش می‌فرمایند:

«در مورد مسئله عراق، غربی‌ها و به خصوص در رأس آنها شیطان بزرگ، بدترین روش و منفورترین حرکات را انجام دادند؛ ولی به زبان نمی‌آید. همین قدر بدانند که در تاریخ، از اینها به عنوان قسی‌ترین، جلا‌ترین، بی‌رحم‌ترین و متجاوزترین چهره‌های این زمان یاد خواهد شد، اما این حرف، به معنای حمایت از صدام - که حکومت او بر عراق، این همه برای مردم آن کشور، شئامت و بدبختی داشت - تلقی نشود. او هم از آنها بهتر نیست؛ اگر از آنها زشت‌تر نباشد. او کسی است که برای ملت عراق، از اول حکومت خود، این همه بدبختی ایجاد کرد. او ملت عراق را دچار جنگ هشت‌ساله با ایران کرد. او ملت عراق را دچار بمباران‌ها و موشکباران‌های وحشیانه و قساوت‌آمیز آمریکا و انگلیس و فرانسه و دیگران کرد. او موجب شد که ثروت ملت عراق، دود بشود و از بین برود که امروز متأسفانه شد. شاید ده‌ها سال دیگر لازم باشد که ملت عراق زحمت بکشد تا خودش را به آن روز اول برساند. او موجب شد که مردم عراق - از نظامی و غیرنظامی - این همه کشته بشوند. او بلایی برای مردم عراق بود و هست.

زشت باد چهره حاکم و رئیسی که ملاحظه هوای نفس و جاه‌طلبی خود را بکند، ولی ملاحظه مردم و ملتش و اراده و خواست آنها را نکند. متأسفانه در منطقه ما، از این طور چهره‌ها و این گونه شیطان‌ها کم نیست. اینها لایق ریاست بر یک دسته آدم هم نیستند؛ چه رسد به یک ملت. بر یک ملت، این طور جفا و ظلم می‌کنند.»^۴

مقام معظم رهبری عامل دیگر در هجوم عراق به کویت را خود آمریکا و هم‌پیمانانش می‌دانستند و با مخاطب قرار دادن آنان، فرمودند:

«اگر می‌بینید که امروز با حمله عراق به کویت، در این منطقه ناامنی ایجاد شده است، موجب آن خود شما بوده‌اید. شما بودید که عراق را تجهیز کردید و کاری نمودید که او در خودش احساس قدرت بکند و به کویت حمله نماید. باز هم شما مایه ناامنی بودید. شما به خاطر حقد و بغض‌هایی که با اسلام و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی دارید، وارد میدان شدید و تا آن‌جا که توانستید، پشت عراق را محکم کردید و به او کمک نمودید. اگر پشتیبانی نمی‌کردید و وارد نمی‌شدید، منطقه روی ناامنی را نمی‌دید.»^۵

آنچه به نظر مقام معظم رهبری باعث شد عراق در نبرد کویت ناکام بماند، این بود که نیروهای مسلح عراق انگیزه‌ای برای جنگ نداشتند و حکومت عراق بر دل‌های ملت خود حکومت نمی‌کرد. ایشان این موضوع را چنین تبیین نمودند: «اگر رژیم عراق متکی به ملت خود بود و اگر سرباز عراقی در کویت، احساس متجاوز بودن و ناحق بودن نمی‌کرد، آمریکا قادر نبود که ملت عراق را شکست بدهد یا حتی سرباز عراقی را به عقب براند.»^۶

۳. حمایت از مردم عراق

مقام معظم رهبری در عین این که حکومت عراق را به خاطر اقداماتش مورد نکوهش قرار دادند، از ملت عراق حمایت کردند و آنان را سزاوار حمایت و توجه ملت‌های مسلمان می‌دانند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«برای ملت عراق، به شدت نگران و ناراحتیم. در این چند روزه، هر وقت این خبرها می‌رسد - وقتی هم که نمی‌رسد، به یادش هستم - به خاطر این مردم بیچاره مظلوم مسلمان

ایران از جنگی هشت‌ساله به تازگی رهایی یافته بود و نمی‌خواست بهانه‌ای به دست دشمنان بدهد تا آنان بتوانند با سوء استفاده از مدل رفتاری ایران، هجومی مجدد را علیه ایران سامان دهند و راه را برای دخالت‌های خود مهیا ببینند.

خواهند داشت. آن طوری که اینها آمدند، به خصوص با این اظهارات اخیر، محققا با ملت‌های مسلمان در این منطقه، اصطکاک‌هایی پیدا خواهند کرد. طبیعی است، خیلی از مسائلی را که دیگران تحمل می‌کنند، ما تحمل نمی‌کنیم و برخورد می‌نماییم. ما این‌گونه مسائل را رد و محکوم می‌کنیم؛ کما این‌که تا حالا هم همین‌طور بوده و به همان اندازه‌ای که لازم بوده، اقدام شده است.»

البته هنوز جزئیات زیادی از اقداماتی که به دستور مقام معظم رهبری در آن مقطع انجام گرفت، از طریق مراجع رسمی فاش نشده است؛ اما به هر حال با تدبیر ایشان کشور توانست از آن مقطع که می‌توانست دوران خطرناکی باشد، به سلامت گذر نماید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سخنرانی ۱۳۶۹/۵/۲۴.

۲. همان.

۳. سخنرانی ۱۳۶۹/۶/۲۱.

۴. سخنرانی ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۵. سخنرانی ۱۳۶۹/۶/۲۱.

۶. سخنرانی ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۷. سخنرانی ۱۳۶۹/۱۱/۴.

۸. همان.

۹. www.fardanews.com

بی‌پناهی که به دلیل قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی از یک طرف و خوی تجاوزگری و درندگی از طرف دیگر، پایمال می‌شوند، واقعا و قلبا ناراحت می‌شوم. در این قضایا باید موضع درست را دانست و شناخت.»^۷

مقام معظم رهبری هم‌چنین متذکر می‌شوند که اتخاذ موضع حمایت از مردم مظلوم عراق، منافاتی با موضع بی‌طرفی ایران ندارد و برای رفع هرگونه ابهامی، به تبیین موضع بی‌طرفی پرداخته و می‌فرمایند:

«موضع جمهوری اسلامی، این موضعی که مسئولان جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند، صددرصد اسلامی و انقلابی است؛ چون نفی تجاوزطلبی و تقبیح حوادثی است که علیه مردم اتفاق افتاده است. بعضی سعی می‌کنند که کلمه بی‌طرفی را به معنای غلطی معنا کنند. ما از اول انقلاب، در جنگ بین شرق و غرب، بی‌طرف نبوده‌ایم. ما از اول انقلاب تا حالا، علیه شرق و غرب جنگیده‌ایم. مگر این‌طور نیست؟ شرق و غرب هم علیه ما متحد شده‌اند و جنگیده‌اند. آن روزی که شرق و غرب هنوز با هم آشتی نکرده بودند و در دنیا شرق و غربی وجود داشت، شعار انقلاب ما «نه شرقی و نه غربی» بود؛ یعنی نفی هر دو و مخالفت با هر دو. این، معنایش بی‌طرفی نیست. ما هرگز به نفع چپ، با راست دشمنی پیدا نمی‌کردیم؛ به نفع راست هم با چپ دشمنی پیدا نمی‌کردیم.

دو اردوگاه و دو جناحند که به خاطر اهداف غلط و غیرالهی و نامقدس - از نظر ما و از نظر همه انسان‌های واقع‌بین - با

هم می‌جنگند. جمهوری اسلامی،

هر دو جناح را رد می‌کند؛ چون در هر دو طرف، انگیزه‌ها مادی است و به همین دلیل هم با یکدیگر تعارض پیدا کرده‌اند. آنها به دلیل مادی بودن، با هم تعارض پیدا کرده‌اند. این‌طور نیست که یکی الهی و یکی هم مادی است. جنگ اسلام و کفر نیست. این، موضع ملت ایران ماست.»^۸

رحیم صفوی که در آن مقطع از فرماندهان ارشد سپاه بود، سال‌ها بعد در مصاحبه‌ای می‌گوید: «رهبر انقلاب دستور دادند که مرز را باز کنید که مسلمان‌های بصره، وقتی که آمریکایی‌ها حمله کردند، بیایند داخل ایران. در غرب کشور هم هم‌چنین وضعی حاکم بود؛ در قصر شیرین و مهران هم همین اتفاق افتاد.»^۹

۴. حفظ آمادگی نظامی

مقام معظم رهبری به نیروهای نظامی ایران دستور دادند توان نظامی خود را حفظ نمایند و در ضمن به دشمنان ملت ایران هم اخطار دادند که مواظب تحرکات و اقدامات خود باشند. ایشان در این زمینه فرمودند:

«آمریکایی‌ها در این منطقه، مسائلی

